

چند گزارش خبری

از مریوان

سردشت و سقز

صفحه ۳

### ایسکرا

سرمدبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گиро: ۲-۱۶۷۸۴۷۱

### رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

## ده سال از تشکیل حزب کمونیست کارگری گذشت

لحظه ای تصور کنید که جریانی که اصرار دارد تولید ننگ بشریت است از صحنه جهان حذف شود، تصور کنید که بجای تبلیغ و مبارزه برای یک جامعه خوشبخت و مرفه و برابر، همین مردمسالاری اسلامی و فقر و فلاکت مقدر، بدون تقابل به روال خود ادامه میداد. تصور کنید که تلاش برای حقنه کردن هویت قومی و ملی به مبارزه طلبیده نمی شد، تصور کنید که بازار فدرالیسم و همان سرنوشت سیاهی را که بر جامعه یوگوسلاوی آوردند، بدون دردسر در برابر مردم تهران و شیراز و سنج و اصفهان قرار میدادند. فقط برای لحظه ای تصور کنید که در این ده سال از حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاست ایران خبری نبود، لحظه ای تصور کنید که جریانات دو خردادی و خیل هنرمندان اسلام زده در یک برهوت، روال کار خود را پیش میبردند، کمونیسم کارگری مجازات اعدام را لغو شده اعلام کرد، گفت انسان حق حیات و معاش و مرادده دارد و هیچکس، مطلقاً هیچکس، نباید بی مسکن و در گوشه خیابانها و پارکها و خرابه ها زندگی کند. کمونیسم کارگری برخورداری از رفاه و زندگی شاد را حق طبیعی همه میداند و معتقد است که باید آزادی بدون قید و شرط افکار و عقاید در جامعه برقرار باشد، کمونیسم کارگری هیچ امری را برای توجیه سرکوب باورها و اعتقادات مردم بعنوان امری مقدس

صفحه ۲

## دفاع از مردسالاری!

در حاشیه سخنرانی عبدالله حسن زاده در اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران



حسین مرادیگی

حزب دمکرات هرازگاهی چند تحت فشار فضای رادیکال و جنبش برابری طلبی زن و مرد در جامعه مجبور میشود در

مورد مساله زن در کردستان اظهار نظر کند. حزب دمکرات ظاهراً دم از برابری زن و مرد میزند، لیکن در لابلای اظهارات و موضع گیری های این حزب، افکار پوسیده مردسالارانه و زن ستیز همه جا بیرون میزند. سخنرانی عبدالله حسن زاده دبیرکل فعلی حزب دمکرات کردستان ایران در سومین کنفرانس اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران، مندرج در کردستان شماره ۳۲۸، ۲۰ آبان ۸۰، نمونه گویائی از این نوع موضعگیری

## حقایق پشت صحنه

رهبری کومه‌له با حفظ اسرار و اسناد شکل گیری "سازمان زحمتکشان" به منافع مردم ضربه زده است



رحمان حسین زاده

قطعنامه "در مورد موقعیت کنونی حزب کمونیست ایران" مصوب کنگره گروه منشعب از کومه‌له به سرکردگی ایلخانی - مهتدی با این التیماتیوم علیه

کومه‌له خاتمه مییابد: "ضمناً ما لازم میدانیم بار دیگر یادآوری کنیم که یکی از مسائل فیما بین، غصب نامشروع کلیدی اسناد، آرشیوها، و امکانات گوناگون تشکیلاتی از طرف رهبری حزب کمونیست ایران است. .... و در عین حال خواست غیر قابل صرف نظر کردن ما مبنی بر امکان دسترسی ما به آرشیو و اسناد مشترک و سهم‌بری عادلانه از امکانات تشکیلاتی را طرح و پیگیری کند".

اولین بار نیست که این باند چنین ادعاهای قدر منشانه را مطرح میکنند و قبلاً در نامه‌ای هم تأکید کرده بودند در صورت عدم جوابگویی رهبری کومه‌له "تأکیر خواهیم بود که واقعیات را با جنبش و افکار عمومی در میان بگذاریم" و بعداً در جزوای تحت عنوان "سند تنظیم مناسبات با حزب کمونیست ایران" همین کار را هم کردند. همانوقت نوشتیم این سند "تنظیم مناسبات" نیست، بلکه سند

حزب دمکرات را بدست میدهد که من در این نوشته به نکاتی از آن اشاره میکنم.

عبدالله حسن زاده در این کنفرانس بعد از لفاظی و تعارف خشک و خالی در مورد برابری زن و مرد، وقتی که پا به زمین واقعی میگذارد، پرده از موضع عمیقاً مردسالارانه و زن ستیز حزب دمکرات برمیدارد. عبدالله حسن زاده معتقد است که "زنان کرد" در کردستان در برابر مرد از قدیم الایام نسبت به دیگر زنان مثلاً در دیگر نقاط ایران و یا منطقه حقوق بیشتری داشته اند و اصولاً پاره ای از تبعیض زن در کردستان "وارداتی" بوده است! میگوید: "... تبعیض در بین زن و مرد در یک طرف و پاره ای آداب و رسوم و اسپرگرایانه

صفحه ۲

قدری و گردن‌بگیری است. این سند از هم اکنون پاپوش درست کردن و "توجیه" تراشیدن برای ماجراجوییهای نظامی آینده علیه کومه‌له است. جالب است! سازمان زحمتکشان از کانال کنگره مشروع کومه‌له نتوانست به جایی برسد و در حالی که اقلیتی بیش نبودند و بدون اینکه کمترین مشروعیتی داشته باشند نام کومه‌له را سرقت کردند، و اکنون باستاند همان شارلاتانیسم مدعی ارث و میراث و تقسیم اموال نیز شده‌اند! در بازار عشایر بازی چنین حرکتی سنت است، اما در یک جامعه قدری متمدن که ضبط و ربطی داشته باشد، چنین کسانی به اتهام جعل و تهدید و ارباب به دادگاه کشیده میشوند.

دو مسئله به آنها چنین امکانی را داده است. یکی اینکه در اطراف سلیمانیه مستقرند و تحت حاکمیت حزب "برادر بزرگوار مام جلال" و در آن آشفته بازار میشود قدر مابی را پیشه کرد و دوم محافظه‌کاری و عدم

صفحه ۴

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ده سال از تشکیل حزب . . .

برسمیت نمی شناسد. کمونیسم کارگری اساس سیستم بردگی مزدی و زندگی در جنگل رقابت سرمایه داری را از بنیان قبول ندارد.

در این ده سال تحولات بزرگی روی دادند، شوروی سقوط کرد، جنگ خلیج در گرفت و، شیرازه مدنیت در یوگوسلاوی را از هم پاشاندند، موج عظیمی از تهاجم به سوسیالیسم و حقوق مدنی و حقوق شهروندی و حق پناهندگی راه افتاد. یک جریان و فقط یک جریان قاطعانه ایستاد و گفت و اصرار کرد که بشر شایسته برخورداری از یک زندگی انسانی است، که مردم حق دارند حکومت یک مشت جانور اسلامی را بزیر کشند، که هیچ رابطه ای بین خوشبختی مردم و تلاش خیل سینه چاکان اسلام و اصلاح طلبان اسلامی موجود نیست. در این ده سال کمونیسم کارگری خواب و خیال دسته دسته اسلام زدگان و قوم پرستانی که انسان را سزاوار یک زندگی آزاد و برابر و سعادت مند نمیدانند و اصرار دارند که هویت بشر را با خرافه مذهب و ملیت و قومیت و عقب ماندگی تعریف کنند، یکه و تنها باتکا اراده انسانهای داوطلبی که شب و روز و زندگی خود را وقف انسان و حفظ حرمت آن کردند به مصاف طلبید، نقشه و برنامه و توطئه ها را خنثی کرد و در برابر رذیلاته ترین اهانتها و دشنامهای رکیک و ضد کمونیستهای قدیم و تازه وارد و دگر اندیش و دگر دیسی یافته ایستاد و از اعتقاد خود به قدرت گیری کمونیسم و تلاش در آن راستا قدمی کوتاه نیامد. ما را نصیحت کردند، تهدید کردند و پاپوش دوزی کردند و پرونده سازی کردند، ترورمان کردند و از کیفیتترین رژیمها برای این جنایتها پاداش و تقدیر نامه گرفتند، تا به مبارزین کمونیسم کارگری بقبولانند که به زندگی در حاشیه و در موقعیت گروه فشار به طبقات حاکم قناعت کند، به قواعد بازی حافظین نظم سرمایه داری تن دهد و از دخالتگری سیاسی

دوری کند. نتوانستند و نخواهند توانست، چرا که کمونیسم کارگری و مارکس و لنین و بلشویسم بر قله آزادی میلیاردها انسان تشنه سعادت و رفاه و آزادی و برابری، همچنان می درخشند. در این ده سال هر جا صدای اعتراض انسان فراری از اختناق اسلامی و ملی و قومی برخاست، کمونیسم کارگری به میدان آمد و جان و حرمت و حیثیت بسیاری را نجات داد. در این ده سال در صحنه سیاست ایران و در منطقه جریانی رشد کرد و حضور یافت که محل امید میلیونها انسان سرکوب شده، نقطه اتکای میلیونها زن و مرد جوانی بود که زندگی در یک شرایط انسانی، آزاد و بدون دخالت اراذل و جنایتکارترین پاسداران نظم و ارتجاع اسلامی و ملی را حق طبیعی خود میدانند.

واقعا در این ده سال صحنه سیاست در بسیاری جاها، در منطقه و در ایران بدون کمونیسم کارگری چیزی جز تاریکی و بی آیندگی برای انسانها نبود. این نقطه امید، و این تکیه گاه انسانیت و انسان دوستی، به همت و در پرتو تلاش داوطلبانه صدها کادر و هزاران عضو و هوادار این حزب بنیان گذاشته شده است. این حزب مرهون پیگیری و اعتقاد عمیق رهبر و بنیان گزار خود، منصور حکمت، به صحت کمونیسم مارکس و امکان پذیری سازماندهی یک جامعه کمونیستی برای کل جامعه بشری است. بدون این باور عمیق و بدون اراده صدها فعال کمونیسم کارگری واقعا چهره ایران و منطقه و دنیا، سیاه تر و تاریکتر از آن دورنمایی میشد که پاسداران نظم بردگی کار مزدی پیشاوری بشر گرفته اند.

**پیروز باد دهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری زنده باد حزب کمونیست کارگری زنده باد منصور حکمت درود بر صفوف مبارزین کمونیسم کارگری**

## دفاع از مردسالاری . . .

و کهنه و بسیاری اوقات وارداتی از طرف دیگر به جامعه کردستان است. سپس اضافه میکند ... از دیرباز زنان کرد نشان داده اند که به حقیقت شایستگی آن را دارند از حقوق مساوی با مرد برخوردار باشند. .. در کردستان زن بسان موجودی سست و کم توان که تنها وظیفه اش پخت و پز و رسیدگی به بچه باشد در خانه ننشسته است، گو اینکه این وظایف را نیز بسیار شرافتمندانه برعهده گرفته است، اما دوشادوش مرد در کوچ و برداشت محصولات کشاورزی و .. مشارکت نموده است.

باید گفت در کردستان عراق، بخشی از جامعه مورد نظر عبدالله حسن زاده، در چند سال اخیر در جوار مقرهای همین حزب دمکرات چند هزار "زن کرد" را به نام "دفاع از ناموس" به قتل رسانده اند و دارند آن را نیز ادامه میدهند. مطابق آمار منتشره هر ۲۴ ساعت یکبار زنی در کردستان عراق در اعتراض به فشار مذهب و فضای مردسالارانه جامعه، دست به خودسوزی میزند، عبدالله حسن زاده و حزب دمکرات حتی اعتراض کوچکی هم به این توحش نسبت به "زن کرد" نکرده اند و از کنار آن رد شده اند. عبدالله حسن زاده این را می بیند و میداند که نه در کردستان بلکه در همه جا زن یا بیای مرد در کشاورزی و دامداری و غیره همسرش را کمک کرده است. او این "تاج" خرافه قومی را بر سر زنان در کردستان که در مقایسه با زنان در بعضی نقاط ایران حتی بیشتر تحت ستم و بی حقوقی قرار داشته و دارند به این دلیل میگذارد که جهان شمول بودن حقوق زن در کردستان را انکار کند. کردستان و "زنان کرد" اتفاقا اسم رمزی است از طرف حزب دمکرات برای توجیه "عدم شایستگی" زن در کردستان به داشتن حقوق مشابه با دیگر زنان در ایران و جهان. او از این، بعدا خواهیم دید، ریاکارانه در جهت ادامه ستم و تحقیر زن در کردستان استفاده میکند.

وی در ادامه جای دیگری میگوید .. اکنون از نظر ما کسانی دمکراتند که نه تنها اجازه میدهند که زنان و خواهران و مادرانشان در اینگونه فعالیتها، منظورش دخالت در فعالیتهای اجتماعی و یامبارزاتی است، شرکت کنند بلکه ضمن

تشویق و ترغیب آنان را یاری نیز میرسانند.، همانجا.

نگرش ارتجاعی و مردسالارانه حزب دمکرات به مساله زن، اجازه نمیدهد که حزب دمکرات برای زن بعنوان یک انسان خارج از حیطه مرد، حقوقی مستقل و جدا از مرد و برابر با مرد را برسمیت بشناسد. از نظر حزب دمکرات زن همیشه "ضعیفه" است و همچنان وابسته و تحت فرمان مرد است. مرد باید اجازه دهد که زن در فلان فعالیت اجتماعی شرکت کند یا نه؟ زن باید از شوهرش اجازه بگیرد، خواهر باید از پدر و برادرش اجازه بگیرد تا چادر بسر کند یا نه، تا مدرسه برود یا نه، تا شاغل شود تا رانندگی کند تا به تنهایی سفر کند یا نه، تا در سیاست دخالت کند یا نه. این حرفها چه فرقی با قوانین ضد زن جمهوری اسلامی دارد که میگوید زن بدون اجازه رسمی مرد حق سفر به تنهایی و شرکت در دیگر فعالیتهای اجتماعی را ندارد؟ تنها فرقی این است که در قانون جمهوری اسلامی زن به گرفتن اجازه مرد موظف میشود، اما قانون حزب دمکرات به مرد توصیه میکند که به زن اجازه دهد. در هر دو مورد اجازه همچنان در دست مرد است، زن همچنان بی حقوق است، مرد است تصمیم میگیرد که اجازه بدهد یا نه. اگر مرد اجازه نداد حزب دمکرات حداکثر مرد را "دمکرات" نمیداند. کدام مرتجع مرد سالاری را سراغ دارید که به این نوع دفاع حزب دمکرات از زن در مقابل مرد خرده بگیرد؟

عبدالله حسن زاده زعامت مرد بر زن را در جای دیگری از گفته های خود تکمیل کرده است. میگوید: .. مرد باید مرد بماند، لیکن باید ناهنجاریهایش را با زن حل کند. "همانجا". در اینجا حسن زاده صراحتا از موقعیت برتر مرد در برابر زن در جامعه دفاع میکند. میگوید مردسالاری مرد محفوظ، لیکن مرد باید نسبت به زن کمی "رویه اش" را تغییر دهد.

بحث برابری زن و مرد تعویض مکانیکی جایگاه زن و مرد نیست که عبدالله حسن زاده نگران از سرنوشت مرد، چماق مردسالاری را برداشته است. مساله این است که جامعه قانونا و رسماً زن و مرد را در هر زمینه ای دارای حقوقی مساوی بداند و از حقوق برابر زن با مرد در جامعه قانونا و عملا دفاع کند و هرنوع زیر

پانهادن حقوق و استقلال زن را چه در جامعه و چه در خانواده جرم قابل تعقیب بداند و آن را رو به جامعه اعلام کند. عبدالله حسن زاده که تحت فشار جنبش برابری طلبی زن و مرد در جامعه کردستان عرصه را بر خود تنگ دیده است، نگران از مردسالاری مرد، چماق مردسالاری حزب دمکرات را علیه زن بلند کرده است. میگوید مردسالاری مرد خدشه ناپذیر است و باید محفوظ بماند. در عوض مرد باید نسبت به زن کمی "رویه" خود را تغییر دهد و با زن کمتر خشن رفتار کند. او حداکثر از سر "خبرخواهی" و "مصلحت" مرد میگوید حالا که زن امر پخت و پز و نگهداری فرزندان برای مرد و حتی شرکت در کار کشاورزی و غیره را نیز "شرافتمندانه" برعهده دارد، بهتر است مرد به او اجازه دهد که در بعضی فعالیتهای اجتماعی شرکت کند! میگوید "شرافتمندانه" برای اینکه مثل همه مدافعین فرودستی زن در جامعه با دادن بیانی تقدس آمیز ریاکارانه به کار بی جیره و موجب خانگی و پخت و پز و نگهداری فرزندان، آن را "رسالت" ابداً زن قلمداد کند.

بعلاوه عبدالله حسن زاده مساله حقوق زن و برابری زن و مرد را از یک معضل اجتماعی و اینکه جامعه باید قانونا برابری زن و مرد را برسمیت بشناسد و تخطی از آن را جرم محسوب کند از حوزه قانون و جامعه خارج میکند. آن را به رابطه دوطرفه و خصوصی بین زن و مرد بویژه در حوزه خانواده که گویا خانواده و رابطه زن و مرد امری است خصوصی و از دایره نظارت قانون در جامعه میتواند خارج باشد، تنزل میدهد. از نظر حسن زاده مساله زن نه یک مساله اجتماعی که مساله ایست محدود به رابطه خصوصی زن و مرد، زن و شوهر، رابطه پدر و برادر با خواهران و مادران که جامعه یا حزب دمکرات میتواند حداکثر به آنان "توصیه" کند کمی با آنان "مهربان" باشند طوریکه سیر تا پیاز موضع حزب دمکرات با سوره نساء "شرح انور" خوانائی داشته باشد؟ حزب دمکرات به مرد در ازای خدماتی که زن به او میدهد "توصیه" میکند که کمتر خشن رفتار کند، در حق زن "خوبی" کند و به زن در ازای

## چند گزارش خبری

سردشت:

روز پنجشنبه اول آذر (۲۲ نوامبر) نیروهای انتظامی رژیم در مرز اشکان در منطقه سردشت برای مردمی که کار کاروانچیرگی میکنند حمله میکنند. مردم کاروانچی به مقابله میپردازند و به دفاع از خود پرداخته که در این درگیری دست یکی از مامورین رژیم شکسته میشود.

مزدوران رژیم در سردشت به قصد محدود کردن جوانان شهر که تن به حجاب اسلامی نمیدهند، دست به تحریکاتی زده‌اند. هفته گذشته ۲۴ آبان (۱۵ نوامبر) مزدوران رژیم ۳ نفر از دختران دانشجو را به جرم عدم رعایت حجاب اسلامی دستگیر میکنند. آنها از ترس رشد اعتراض مردم همان روز این سه نفر را به مهاباد انتقال میدهند.

ناصر دانشمند، جان باخت

اواخر آبان ماه ناصر دانشمند کارگر ساختمانی از روستای

آلکولی سقز در حین کار و بدلیل عدم امکانات ایمنی از ساختمان پایین افتاد و جان باخت. ما مرگ ناصر دانشمند را به خانواده و بستگانش صمیمان تسلیت میگوئیم.

مریوان:

مزدوران رژیم عمر کهنه پوشی را کشتند روز شنبه ۲۶ آبان (۱۷ نوامبر) عمر کهنه پوشی مشهور به عمر شیخ محی‌الدین ۳۸ ساله ساکن شهر مریوان، مقداری شن و ماسه را با تراکتور از خیابان استادبوم به قصد برگشت به خانه وارد شهر می‌شود. مزدوران مسلح رژیم مانع او میشوند و تحت نام اینکه با تراکتور ورود به شهر ممنوع است به توهین و اهانت به او میپردازند. عمر هم به آنها اعتراض میکند که در میشود. مزدوران وحشی و جنایتکار رژیم در کمال بی‌شرمی تراکتور را از عمر گرفته و او را زیر میگیرند به چنین شیوه وحشیان جان او را میگیرند. این عمل وحشیانه مزدوران رژیم باعث

تنفر و بیزاری وسیع مردم شده است. ما ضمن ابراز تنفر خود از رژیم و نیروهای مرگ عمر کهنه‌پوشی را به خانواده و بستگانش تسلیت میگوئیم.

خودکشی یک جوان ۲۵ ساله به دلیل فقر چند روز قبل یک نفر به اسم امین ابراهیم که ۲۵ ساله بود و در شهر مریوان دکه کوچکی داشت برای چندمین بار دست به خودکشی زده و متأسفانه جان خود را از دست داده است نامبرده که ۳ فرزند داشته در نامه ای که از وی به جا مانده نوشته که به علت فقر ونداری دست به اینکار زده است. امین ابراهیم ناراحتی کلیه رنج برده اما پول عمل را نداشته و در نتیجه خودکشی کرده است.

اعتراض معلمان مریوان

هفته گذشته معلمان مریوان وقتی که لیست کسانی که تعاونی و مسکن آموزش و پرورش به آنها منزل مسکونی داده است را بر درب ورودی ساختمان آموزش و پرورش می بینند به خشم آمده

و به اعتراض و ناراضی دست می زنند و این لیست را پاره می کنند و به مسولین آموزش و پرورش پرخاش کرده و آموزش و پرورش و تعاونی مسکن این اداره نیز از ترس گسترش اعتراض معلمان مجبور می شوند که این تصمیم را لغو نموده و قول می دهند لیست دیگری را تهیه نمایند.

آموزش و پرورش مریوان امسال تعدادی از معلمان را بازنشست کرده است اما بعد از گذشت ۴ ماه هنوز این بازنشستگان حقوق ناچیز خود را دریافت نکرده اند این بازنشستگان هفته گذشته به آموزش و پرورش رفته و ضمن اعتراض کردن خواستار پرداخت حقوق شان شده اند اما جوابی نگرفته اند. همچنین آموزش و پرورش چند ماه است به معلمانی که مجبور به اضافه کاری شده اند با این اضافه کاری هنوز پولی پرداخت نکرده و این معلمان نیز به اداره آموزش و پرورش رفته و حقوق خود را مطالبه کرده اند.



## از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعیه های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید. دیگر لازم نیست که به سایت های مختلف رجوع کنید با مراجعه به سایت روزنه میتوانید به آخرین اخبار ایران، احزاب سیاسی و گروه های ایرانی دسترسی پیدا کنید و مطالب آنها را مطالعه کنید. مطالب، اطلاعیه ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

www.rowzane.com

rowzane@yahoo.com

## دفاع از مردسالاری...

خشک و تر کردن مرد "لطف و مرحمت" کرده و اجازه دهد که در بعضی جاها حضور پیدا کند. این ها میتواند حرف هر آخوند و هر آیت اللهی مرتجعی هم باشد که زیر فشار اعتراضی زنان مجبور شده کمی لحنش را تغییر دهد. حزب دمکرات حتی نسبت به جامعه کردستان ایران نیز فرسنگها عقب است. واقعا عبدالله حسن زاده در گوش گاو خوابیده است (اشاره به گفته ایشان در جلد یکم کتاب ۵۰ سال مبارزه). حزب دمکرات تصور میکند که کردستان ایران در قرون وسطی و یا در اوایل قرن بیستم بسر میبرد که زنان منتظر بمانند تا مردان به آنان اجازه بیرون رفتن و یا شرکت در بعضی فعالیتهای اجتماعی و سیاسی را به آنان بدهند. زنان در کردستان که در سراسر ایران با وجود حجاب سیاه اسلامی، باوجود سنگسار و اسید پاشی و اعدام و دیگر قوانین ضد زن جمهوری دمی از مبارزه علیه قوانین اسارتبار جمهوری اسلامی، از مبارزه برای رفع حجاب،

برای آزادی و برابری زن و مرد در جامعه دست برداشته اند. سالهاست در عرصه سیاست نه تنها علیه جمهوری اسلامی که علیه سیاستها و عملکردهای پورژوائی و کهنه پرستانه ضد آزادیهای سیاسی، ضد کارگری و ضد زن شرکت داشته و آن را هدایت کرده اند. با فروپاشی جمهوری اسلامی حجاب سوزان در ایران در کردستان شروع میشود و زنان به چیزی جز برابری کامل خود با مردان در جامعه رضایت نخواهند داد. منتظر نیممانند تا حزب دمکرات اجازه آن را به مردان "توصیه" کند. این بار زنان و مردان آزاده و سکولار در کردستان، حزب دمکرات را با این نگرش همیشگی قرون وسطائی، مردسالارانه و مذهبی اش نسبت به زن و جامعه هو میکنند. عبدالله حسن زاده در آخر سخنرانش در هراس از گسترش جنبش برابری طلبانه زن و مرد در کردستان هرآنچه که خرافی و ارتجاعی است را به یاری می طلبد تا بخیال خود حزب او زن را همچنان مطیع مرد و قوانین مردسالارانه جامعه کردستان

نگهدارد. میگوید... من بارها با تجلیل و احترام به این مساله نگرینسته ام که زنان کرد شناخت خوبی از جامعه کردستان دارند .... زن کرد در هر زمان مایل است شئونات مطلوب جامعه کردستان را حفظ و حراست کند. ... جامعه کرد مخالف دانش اندوزی و تحصیل .. و بهیچ عنوان با حضور زن در سطح جامعه مخالفت نکرده است. اما برخی مسائل در جامعه کرد از اهمیت برخوردار است که تاکنون نیز به گونه ای تقدس خود را حفظ کرده اند. زن کرد این مسائل را درک میکند. زن آگاه و باشعور همیشه و در هر حال سربلندی همسرش در میان مردم را خواهان بوده است. این مزیتی است که شاید زنان ملل مختلف کمتر از آنان برخوردار باشند. در این رابطه، بعنوان مرد به زنان کرد مباحثات میوزیم، (همانجا) کثافت ارتجاع مردسالارانه و ضد زن از لابلای این کلمات و این جملات بیرون میزند. حسن زاده مثل هر آخوند دیگری، خرافه قومی، خرافه مذهب و سنن پوسیده و کهنه پرستانه مرد سالارانه جامعه کردستان را علیه

توسط گروههای اسلامی و مردسالاران خانواده، به بهانه "دفاع از ناموس" اعتراضی نکرده است. حزب دمکرات اسم این ارتجاع مذهبی و مردسالارانه ضد زن را از زبان دبیرکلش، برابری زن و مرد می نامد و به عنوان مرد به آنها مباحثات میکند! حزب دمکرات علیرغم هر ادعایی که لفظا در مورد برابری زن و مرد داشته باشد، هم عملکرد تاکنونیش، هم تبلیغات رادیویی و هم موضع رهبریش همیشه در جهت حفظ و تشبیت بی حقوقی و ستم بر زن در جامعه کردستان بوده است. باید این را مرتبا افشاء کرد. بی شک جنبش برابری طلبی زنان حزب دمکرات را با این موضع آشکارا کهنه پرستانه و زن ستیزش رسوا خواهد کرد. تعجب از این است که آن چند زنی که در گزارش خود به این کنفرانس خواستار لغو کامل آپارتاید جنسی بوده و به کشتار زنان به بهانه "ناموس" اشاره کرده اند، در چنین حزبی چکار میکنند؟

۲۱ نوامبر ۲۰۰۱

\*\*\*

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

**حقایق پشت صحنه...  
ادامه از صفحه ۱**

جسارت، بی‌تفاوتی سیاسی و تمکین رهبری کومله در مقابل چنین اقدامات و روشهای مذموم این باند توطئه‌گر. حال که بحث در مورد اسناد در کشمکش فیما بین این دو جریان در این سطح مطرح شده است، خویست به روی دیگر قضیه یعنی وجود اسرار و اسناد توطئه‌گری، کودتاگرانه و مواجب بگیری و ماجراجوییهای این باند علیه خود کومله اشاره کرد، که متأسفانه رهبری کنونی کومله به حافظ اسرار و اسناد رسواییهای این جماعت و سرکردگان آنها تبدیل شده است. اسرار و اسناد پروژه مشترک صلاح مهدی - جلال طالبانی - عبدالله مهدی امروز بر همگان روشن است. انشعاب سال گذشته در کومله حاصل همفکری و همکاری مثلث صلاح مهدی - جلال طالبانی - عبدالله مهدی بود. در اینجا قصد من یادآوری آن اتفاقات و تحولات سیاسی مربوط به این جریان نیست که قبل از انشعاب و بعد از انشعاب ما بارها در مورد آنها نوشتیم و گفتیم و به سهم خود نقش مهمی در افشای ماهیت این ماجرا داشتیم. اینجا تاکید من بر مستندات است در مورد این جریان که رهبری کومله آن را در آرشو خود مخفی نگه داشته و افکار عمومی و مردم را از آن مطلع نمی‌کند. مواردی را برمی‌شمارم. - با سرکار آمدن خاتمی و پیدایش پدیده دوم خرداد، بسیاری از احزاب و از جمله احزاب ناسیونالیست کرد عاشقانه به فکر "دیالوگ" با جمهوری اسلامی و خاتمی افتادند. جلال طالبانی از یک طرف در ارتباط با اطلاعات سپاه پاسداران و از طرف دیگر در ارتباط با حزب دمکرات قرار بود واسطه‌گری این "دیالوگ" را بر عهده بگیرد. انصافاً رهبری رسمی کومله در فاز دیالوگ نبود، جلال طالبانی و مشاور نزدیکش صلاح مهدی، ناامید از موضع رهبری کومله پنهانی و در این راستا بر جناح مهدی - ایلخانی زاده سرمایه گذاری کردند، زمینه مساعد سیاسی را در آنها سراغ داشتند و با توجیه و راهنماییهای لازمه

آنان را به این مسیر سیاسی سوق دادند. همین عامل علنی شدن شکافهای درونی کومله شد. در این رابطه برگزاری کنفرانس انستیتوی کرد در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۸ در واشنگتن و پروژه "آشتی از راه فرهنگ" صلاح مهدی نقطه عطف مهمی بود. در پشت صحنه این پروژه، مکاتبات و راز و نیازها و آمد و رفتهای پنهانی زیادی در بین مثلث مهدی - طالبانی - مهدی صورت گرفته است. رهبری کومله از جزئیات این مسائل اطلاع دارد و آن را با مردم و حتی بطور کامل با تمامی صفوف خود در میان نمی‌گذارد. - اقدامات پنهانی و غیر مشروع عبدالله مهدی برای به دست گرفتن دبیر اولی کومله، و در این رابطه مکاتبات و رهنمودهای صلاح مهدی که دوران ایفای نقش مهم عبدالله را در صحنه کردستان یادآور میشد، مستند است و رهبری کومله از آن اطلاع دارد. - از ماهها قبل از انشعاب بدون اطلاع رهبری و کمیته مرکزی کومله، عبدالله مهدی به واسطه صلاح مهدی پول کلانی از طالبانی و اتحادیه میهنی دریافت کرده است. به طور اتفاقی دیسکت حاوی اسناد و مکاتبات طرفین این ماجرا به دست رهبری کومله میفتد. این واقعه به افتضاح سیاسی و مالی عبدالله مهدی منجر و مجبور به استعفا از کمیته مرکزی میشود. تنها موارد پراکنده‌ای و آنها توسط برخی از افراد کومله با اشاره به "جعبه سیاه" سر بسته مطرح شده‌است. این اسناد در آرشو رهبری کومله است و از انتشار آن تاکنون خودداری کرده است. - توطئه‌گریهای این باند در آستانه کنگره نهم کومله و شرط و شروط و گروکشی آنها در جریان کنگره نهم با اتکا به اتحادیه میهنی، تحریک افراد مسلحشان به ماجراجویی نظامی در آن مقطع و مقاطع دیگر علیه کومله (برای نمونه به اظهار نظر اخیر حسین شهبق که در آن موقع جزو صفوف منشعبین بود، مراجعه شود، که میگوید افراد مسلحشان را علیه کومله تحریک و در آستانه درگیری نظامی قرار دادند) مذاکرات دو طرف برسر این موضوعات با نظارت اتحادیه میهنی، حاوی مجموعه‌ای حقایق و اسناد است

که رهبری کومله از طرح علنی آن خودداری کرده است. اینها محورها و مواردی از اقدامات و توطئه‌گریهای این جریان است که به آن بسنده میکنم، رهبری کومله قطعاً از اسراری بیشتری مطلع است و از علنی کردن آن پرهیز میکند. این حقایق به مردم مربوط است و باید علنی شوند. اینجا صحبت بر سر اسناد سازمانی صرف نیست که با دلیل منفعت و مصالح سازمانی مخفی نگه داشتن آن را بشود، توجیه نمود. با اتکا به این مانورها و اقدامات، ایلخانی - مهدی، سازمانی قوم پرست و فالانژ برای تقابل با رادیکالیسم جامعه کردستان، برای تقابل با خود کومله و گذشته چپ و رادیکال آن و مقابله با کمونیسم سرهم‌بندی کرده‌اند. با سو استفاده از نام کومله و سابقه آن و با فاکتور گرفتن همه این توطئه‌گریها دارند تصویر سیاسی سازمانی مشروعی از خود به دست میدهند. و با مظلوم نمایی خواستار "ارث و سهمیه" هستند. به هر درجه کومله ربطی به مردم دارد، به همان درجه این مردم حق دارند از این ماجراها و مستندات آن مطلع شوند. مابه ازای این تحولات در بیرون و جلو چشم مردم به صورت باند مسلح و فالانژ تجسم پیدا کرده است. اسرار و اسناد پشت صحنه شکل‌گیری آن هم باید در اختیار مردم قرار گیرد. <ب> رهبری کومله باید جوابگو باشد رهبری کومله با مخفی نگه داشتن این اسناد قبل از هر چیز اجازه داد، باندی قوم پرست، فالانژ و مرتجع از صفوف کومله نیرویی به هم بزنند و انشعابی را سازمان دهند. با محافظه‌کاری و بی‌تفاوتی سیاسی و درک نکردن عمق پدیده‌ای که در حال تدوین و شکل‌گیری بود، اجازه داد، از اسم کومله و سابقه آن سواستفاده کنند و یک گروه ارتجاعی ناسیونال فالانژ را تحت نام کومله علم کنند. اجازه داد بر بی‌اطلاعی بعضی‌ها حتی در همان صفوف کومله سرمایه‌گذاری کنند و کودتای خود را به نام حرکت سیاسی جابزنند. رهبری کومله اگر تعهدی در قبال مبارزات مردم و جنبش رادیکال آن جامعه احساس میکند، با کنار گذاشتن ملاحظات دیپلماتیک، مقطعی و محدودنگری ناشی از "اردوگاه

داری" با انتشار به موقع این اسناد میتوانست مانع جدی در راه شکل‌گیری این باند تحت نام کومله ایجاد کند. رهبری کومله تا این لحظه جسارت اینکار را نداشته است و به این شیوه به منافع سازمانی خود، به منافع مبارزات رادیکال مردم در کردستان، به سابقه و گذشته رادیکال و چپ و کومله، پشت کرده و در یک کلام به منافع مردم و جنبش رادیکال در کردستان ضربه زده است. با اینحال هنوز کومله در برابر این سوال قرار دارد که آیا در رابطه با سرهم بندی کردن یک سازمان قوم پرست و افشای ماهیت آن برای مردم کردستان و کل جنبش آزادیخواهانه مردم ایران خود را مسئول میداند یا نه؟ اگر جواب مثبت است علنی کردن این اسناد گامی در این راستاست. با شناختی که من دارم احتمالاً رهبری کومله برای توجیه صفوف خود به استدلال همیشگی "امنیت‌مان در منطقه" و "رابطه‌مان با اتحادیه میهنی و خنثی کردن فشار آن پناه برده و میبرد. اینها دلالتی حتی برای توجیه امنیت و منافع سازمانی نیست، بلکه در بهترین حالت تا مین "امنیت و خنثی کردن فشار" بر اردوگاه و مقری در سلیمانیه و اطراف را مد نظر دارد، که به روشنی معلومست این هم راه حل اینکار نیست. اتفاقاً علنی کردن رابطه توطئه‌گرانه اتحادیه میهنی و این جماعت، به فشاری علیه اتحادیه میهنی برای رعایت "قواعد بازی" و کاهش حمایت از باند ایلخانی - مهدی تبدیل میشود. به دلایلی و از جمله افشاگریهای ما جریان انشعابی وزن اجتماعی چندانی پیدا نکرد و همین باعث شده ، اخیراً جلال طالبانی هر از گاهی "با شرمندگی"، حمایت یکجانبه خود از سازمان زحمتکشان را لاپوشانی کند. اگر رهبری کومله خود نیز راساً اسناد توطئه‌ها و بده بستنهای اتحادیه میهنی و سران سازمان زحمتکشان را قاطعانه افشا میکرد، اتحادیه میهنی و جلال طالبانی نیز فشار واقعیتها را بیشتر بر خود احساس میکردند و راه مانور و بندبازیهایی باریکتر و تنگ تر می شد.

**لیست کمک مالی به کمیته کردستان نوژ**

نسرین خدادوست ۲۰۰ کرون  
سینا ونیما ۴۰۰ کرون  
**فنلاند**

۱- صالح شیرخانی ۲۰۰ مارک  
۲- عمر معروفی ۲۰۰ =  
۳- ولی رستمی ۱۰۰ =  
۴- یوسف موحدی ۱۰۰ =  
۵- عبدالله باقری ۳۰۰ کرون سوئد

**کانادا**

۱- یدی محمودی ۲۰۰ دلار  
۲- بهرام ت ۱۵۰ دلار  
۳- ابراهیم ۵۰ دلار  
۴- مصطفی ب ۱۰۰۰ دلار  
۵- سعید کرامت ۳۰۰ دلار  
عبدالحمید غفاری ۲۰۰ دلار

**فعالیت مالی رفقای کانادا**

۱۶۰ دلار  
**سوئد**

فعالیت مالی شویو علیرمائی ۴۰۰ کرون  
**انگلستان**

حسین مراد بیگی ۲۵۰ پوند

**از آلمان:**

امرالله از ایران ۲۵ مارک  
ناهید جوادی‌نیا ۵۰ مارک  
بهرام نظری‌نیا ۵۰ مارک  
ویدا براتی ۵۰ مارک  
مجید حسینی ۵۰ مارک  
مهرانگیز کریم ۲۵ مارک

**گرامی باد نهم آذر، دهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران**

امروز ده سال از تشکیل حزبی میگذرد که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی، برای رهایی کارگران و آزادی کامل زنان، برای تحقق آرزوهای سرکوب شده نسل جوان و تأمین آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی، مبارزه میکند. این روز را به مردم آزاده تبریک میگوییم.